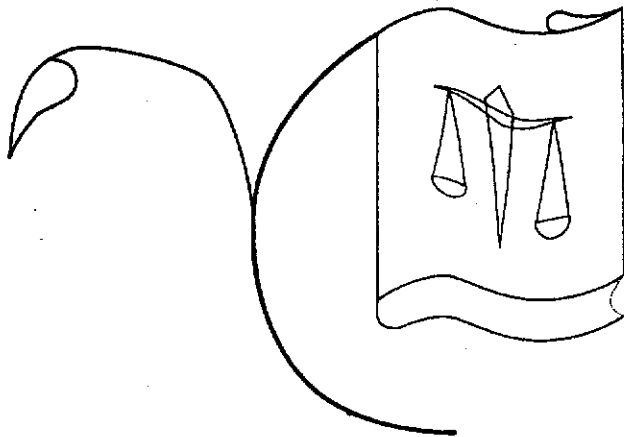


# شرح و تفسیر مواد قانون

## مجازات اسلامی



■: محمدعلی اخوت (قاضی تجدید نظر استان تهران)

(قسمت دهم)

### گفتار یکم: تخفیف مجازات

یکی از مهمترین راهکارهای فردی کردن مجازات‌ها، تخفیف مجازات است که دادگاه با احراز کیفیات مخففه می‌تواند مجازات تعزیری مندرج در قانون را تخفیف داده یا در جهت تخفیف تبدیل به مجازاتی کند که مناسب به حال مرتکب می‌باشد؛ تخفیف بر دو نوع است:

تخفیف قانونی و تخفیف قضائی.

**تخفیف قانونی:** که الزامی است و قانونگذار به لحاظ خاصی و با انگیزه‌ای مشخص، ارتکاب فعل مجرمانه را مورد تخفیف قرار می‌دهد.

مثال: به موجب ماده ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی، اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد ۵۲۴ الی ۵۳۰<sup>(۱)</sup> شده‌اند هرگاه قبل از تعقیب به دولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را در صورت بودن معرفی کنند یا بعد از تعقیب وسایل دستگیری آنها را فراهم نمایند حسب مورد در مجازات آنان تخفیف داده می‌شود یا از مجازات معاف خواهند شد.

با توجه به ماده فوق - چنانکه ملاحظه می‌شود قانونگذار جهت و علت تخفیف را در متن ماده ذکر کرده است که عبارت است:

از افشای اعمال مجرمانه و شرکای جرم به وسیله مرتکب یا احد از مرتکبین.

**قانونگذار خود گاهی مبادرت به تخفیف مجازات در قانون می‌نماید:**

وفق ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی، توقیف و حبس غیر قانونی افراد مستلزم مجازات یک تا سه سال حبس است، حال اگر مرتکب یا معاون قبل از تعقیب شخص توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم برای خلاصی او به عمل آورد، در صورتی که شخص توقیف شده را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد، مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود. بنابه مراتب اقدام برای رهایی شخص توقیف شده که کمتر از پنج روز توقیف بوده است، موجب تخفیف در مجازات موضوع ماده ۵۸۳ گردیده است.

نوع دیگر از تخفیف الزامی، به صورت تبدیل مجازات است. در سال ۱۳۷۳، قانونگذار جمهوری اسلامی برای کاهش احکام حبس در قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، مقرره موضوع تبصره ۱۷ قانون، برنامه اول توسعه اقتصادی را عیناً در دو بند از ماده ۳ قانون مرقوم، تأیید و تکرار

کرد. به موجب بند یکم آن، در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد، از این پس بجای حبس یا آن مجازات تعزیری، حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال داده خواهد شد.

و به موجب بند دوم، هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مختیر است که حکم بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک تا سه میلیون ریال بدهد.

اطلاق بند یکم ماده در مورد تخلفات رانندگی، پیامدهای ناگواری داشت که با توجه به آن حتی قتل غیر عمد بر اثر بی‌احتیاطی در امر رانندگی نیز موجب صدور حکم به جزای نقدی برای راننده بی‌احتیاط شده بود تا اینکه قانونگذار در تصویب قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات؛ به موجب تبصره ماده ۷۱۸ قانون مزبور، مواد ۷۱۴ (قتل غیر عمد) ۷۱۸ (ایراد صدمات بدنی غیر عمدی بر اثر مستی، نداشتن پروانه، سرعت غیر مجاز، حرکت با وسیله نقلیه با نقص فنی مؤثر در

تصادف، عبور از محل ممنوع) را از شمول بند یک ماده ۳ قانون نحوه وصول، خارج کرد. بنابراین در موارد فوق، دادگاه ملزم به تبدیل مجازات به جزای نقدی نیست.

**تخفیف قضائی:** اختیار دادگاه بر تخفیف مجازات قانونی پس از احراز کیفیات مخفقه تخفیف قضائی است. صدور ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی در این باره چنین مقرر داشته است:

«دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخفقه مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد یا تبدیل به مجازات از نوع دیگر نماید که مناسبت به حال مرتکب باشد.»

با توجه به این قسمت از ماده، چند نکته مشخص می‌شود:

اولاً: تخفیف در مجازاتهای تعزیری و بازدارنده<sup>(۲)</sup> جایز است؛ بنابراین در حدود، قصاص و دیات با این توجه که مجازاتهایی ثابت هستند و امکان تغییر در آنها با احراز شرایط وجود ندارد، مصداق پیدا نمی‌کند.

ثانیاً: کیفیات یا جهات مخفقه باید به وسیله قاضی صادر کننده حکم احراز شود؛ به همین دلیل، طبق تبصره ۶ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی:

«دادگاه مکلف است جهت تخفیف مجازات را در حکم صریحاً قید کند.»

ثالثاً: تخفیف مجازات گاه به صورت پایین آمدن از حداقل مجازات قانونی است؛ مانند اینکه در بزه تخریب اموال منقول و غیر منقول موضوع ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی، میزان مجازات شش ماه تا سه سال مشخص نشده است که مستنداً به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی قاضی دادگاه پس از احراز از کیفیات مخفقه

می‌تواند میزان آن را به کمتر از شش ماه حبس (مثلاً سه ماه و نیم حبس تعزیری) تخفیف دهد و گاه به صورت تبدیل مجازات است. در مثال فوق، قاضی دادگاه می‌تواند با احراز کیفیات مخفقه، مجازات حبس را به جزای نقدی یا مجازات بازدارنده مناسب حال متهم تبدیل کند.

در ماده ۲۵ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، به تبدیل مجازات برای تخفیف اشاره‌ای بود و تنها مطلق تخفیف مورد نظر قانونگذار قرار گرفته بود؛ رویه دادگاهها این بود که از تبدیل مجازات به عنوان ابزار تخفیف استفاده می‌کردند. همین رویه باعث شد که قانونگذار در سال ۱۳۷۰ صراحتاً در ماده ۲۲ به تبدیل مجازات به عنوان ابزاری برای تخفیف توجه کند.

#### انواع دیگر تخفیف:

در قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶، دو راه تخفیف دیگر پیش بینی شده است:

۱- تخفیف موضوع ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری؛ به موجب این ماده: «هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیر قابل گذشت بعد از قطعیت حکم از شکایت خود صرف نظر نماید محکوم علیه می‌تواند با استناد به استرداد شکایت از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، درخواست کند که در میزان مجازات او تجدیدنظر نماید، در این مورد دادگاه با حضور دادستان تشکیل می‌شود و مجازات را در صورت اقتضا در حدود قانون تخفیف خواهد داد این رأی دادگاه قطعی است.

این نوع تخفیف در قانون آیین

مرتکب قتل شوند در صورتی که حکم قصاص در مورد آنها اجراء نشود حسب مورد به مجازاتهای مقرر در دو ماده مذکور محکوم می‌شود.

**ماده ۳۰ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح**

هرگاه زن بدون مسامحه مشرک از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق تنقیه نخواهد بود.

**ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی و خانواده**

هرگاه مستأجر بدون اجازه موجر در خانه یا زمینی که اجاره کرده وضع بنا یا عرس اشجار کند هر یک از موجر و مستأجر حق دارد هر وقت بخواهد بنا را خراب یا درخت را قطع نماید. در این صورت اگر در عین مستأجره نقصی حاصل شود برعهده مستأجر است.

**ماده ۵۰۳ قانون مدنی**

هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود.

**ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی**

اگر اکراه شونده طفل غیر مسر یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص می‌شود.

**تبصره ۱ ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی**

راههای ثبوت قتل در دادگاه عبارتند از: ۱- اقرار، ۲- شهادت، ۳- قصاص، ۴- علم قاضی.

**ماده ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی**

دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ پذیرفته شده است. به موجب ماده ۲۷۷ این قانون: «هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیر قابل گذشت، بعد از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرفنظر نماید، محکوم علیه می تواند به استناد استرداد شکایت از دادگاه صادرکننده حکم قطعی درخواست کند که در میزان مجازات تجدیدنظر نماید، در این مورد دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده رسیدگی نموده و مجازات را در صورت اقتضاء، در حدود قانون تخفیف خواهد داد.

با توجه به ماده فوق، تنها تفاوت آن با ماده ۲۵ قانون اصلاح، عدم حضور دادستان در قانون جدید است.

در اینجا این سؤال پیش می آید: در صورتی که دادگاه صادر کننده رأی در زمان صدور، به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، مجازات جرمی را تخفیف داده باشد، آیا محکوم علیه پس از قطعی حکم به استناد گذشت شاکی خصوصی، می تواند از دادگاه به استناد ماده ۲۵ قانون اصلاح تقاضای تخفیف کند یا خیر؟ پاسخ این است: که با توجه به علت وضع ماده ۲۵ قانون اصلاح که تأمین حقوق مدعی یا شاکی خصوصی بوده و در واقع، مقرر فوق پاداش برای محکومی است که توانسته رضایت شاکی خصوصی را فراهم کند، تخفیف دوباره به استناد ماده فوق که هم اکنون به ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب تبدیل شده است، فاقد اشکال قانونی است.

۲- تخفیف وفق ماده ۶ قانون اصلاح

باره ای از قوانین دادگستری؛ به موجب این ماده: «در کلیه محکومیتهای جنحه ای در صورتی که دادستان از حکم صادره پژوهش یا فرجام نخواست باشد، محکوم علیه می تواند با رجوع به دادگاه صادر کننده حکم ضمن اسقاط حق انصراف از شکایت پژوهشی یا فرجامی با استرداد آن تخفیف در مجازات خود را تقاضا کند. در این صورت دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع

به موجب تبصره ۳ ماده ۲۲، در صورتی که شخصی مرتکب جرایم متعدد شده باشد، تعدد جرم مانع اعمال تخفیف نیست و دادگاه می تواند به رغم ارتکاب جرایم متعدد نسبت به اعمال ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، پس از احراز کیفیات محققه اقدام نماید

رسیدگی و تا یک چهارم مجازات مندرج در حکم را اعم از حبس یا جزای نقدی تخفیف می دهد. این رأی قطعی است ولی در هر حال، هیچ مجازات حبسی را با رعایت این ماده نمی توان به جزای نقدی تبدیل نمود.

مزیت این ماده اینست که با حذف مرحله تجدیدنظر موجب می شود که از تراکم پرونده ها در دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور جلوگیری شود.

بین این ماده و ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (ماده ۲۵ قانون اصلاح) تفاوت های زیر مشهود است:

الف: ماده ۲۷۷، ناظر بر جرایم غیر قابل

گذشت است لیکن ماده ۶ قانون اصلاح به تمامی جرایم تشری دارد و در مورد همه آنها قابل اعمال است.

ب: زمان استفاده از ماده ۲۷۷، بعد از قطعی حکم است و حال آنکه زمان استفاده از ماده شش قانون اصلاح قبل از قطعی حکم و سپری شدن مدت تجدیدنظر خواهی است.

ج: در ماده ۲۷۷، جواز تخفیف مجازات به کمتر از حداقل و یا تبدیل مجازات داده شده است. اما در ماده ۶ قانون اصلاح، تنها دادگاه می تواند تا یک چهارم مجازات حبس یا جزای نقدی را تخفیف دهد و نمی تواند مجازات حبس را به جزای نقدی مبدل سازد.

د: با توجه به عبارت: «در صورت اقتضاء» در تخفیف مندرج در ماده ۲۷۷ آ.د.ک، اختیاری، ولی تخفیف مندرج در ماده ۶ قانون اصلاح، اجباری است. زیرا محکوم علیه با اسقاط حق تجدیدنظر خواهی، بطور قانونی محق برای تخفیف تا یک چهارم مجازات شناخته شده است.

ه- تخفیف ماده ۶ قانون اصلاح مربوط به احکام قابل تجدیدنظر است؛ در حالی که تخفیف موضوع ماده ۲۷۷ آ.د.ک، مشمول همه احکام (اعم از قابل تجدیدنظر و غیر آن) می باشد.

و- مرجع معطی تخفیف - اصولاً تخفیف در زمان صدور حکم و به وسیله دادگاهی که صادر کننده حکم است (دادگاه نخستین) اعطا می گردد. (۳) در مورد مواد دوگانه مورد بحث، مرجع معطی تخفیف در ماده شش قانون اصلاح، همواره دادگاه نخستین است، اما در مورد ماده ۲۷۷، این دادگاه می تواند دادگاه نخستین باشد و آن

در صورت عدم تجدیدنظرخواهی و قطعیت حکم در دادگاه نخستین است و می‌تواند دادگاه تجدیدنظر باشد که حکم در آن دادگاه قطعیت یافته است. رأی وحدت رویه شماره  $\frac{583}{72/7/6}$  هیأت عمومی دیوان عالی کشور مؤید این معنا است، به موجب این رأی: «حکم قطعی مذکور در ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۵۶/۳/۲۵ که در جرائم تعزیری غیر قابل گذشت صادر

تخفیف بر دو نوع است:  
تخفیف قضائی: که الزامی است و قانوتگذار به لحاظ خاصی و بنا انگیزه‌ای مشخص، از کتاب فعل مستحرمه را مسورد تسخفیف قرار می‌دهد.  
تخفیف قضائی: اختیار دادگاه بر تخفیف مجازات قانونی پس از اجزاء کمات، بجهت تخفیف قضائی است.

می‌شود، اعم از حکمی است که دادگاه نخستین به صورت غیر قابل تجدیدنظر صادر کند و یا قابل تجدیدنظر بوده و پس از رسیدگی در مرحله تجدیدنظر اعتبار قطعیت پیدا کند بنابراین، رأی شعبه چهارم دیوان عالی کشور که دادگاه تجدیدنظر را مرجع صدور حکم قطعی و واجد صلاحیت برای رسیدگی به تخفیف مجازات مرتکب شناخته صحیح، و با موازین قانونی مطابقت دارد.»

سؤال دیگری که مطرح می‌شود اینست که آیا محکوم علیه می‌تواند، ابتدا با اسقاط حق تجدیدنظرخواهی از ماده ۶ قانون اصلاح استفاده نماید و سپس با اخذ

رضایت شاکی خصوصی از مقررات ماده ۲۷۷ قانون آ.د.ک. استفاده کند؟

نظریه شماره  $\frac{7/6/165}{73/9/21}$  اداره حقوقی این حق را برای محکوم علیه قائل شده است به موجب این نظریه: «ماده ۶ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، قلمرو اجرائی خاصی دارد و ماده ۲۵ همان قانون مقوله دیگری است. تخفیف مندرج در حکم به استناد ماده ۶ یادشده، مانع تخفیف مجدد کیفر مندرج در حکم قطعی به استناد ماده ۲۵ قانون مذکور نخواهد بود.»

به موجب تبصره ۲ ماده ۲۲، در صورتی که شخصی مرتکب جرایم متعدد شده باشد، تعدد جرم مانع اعمال تخفیف نیست و دادگاه می‌تواند به رغم ارتکاب جرایم متعدد نسبت به اعمال ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، پس از احراز کیفیات مخفقه اقدام نماید.

#### مواع تخفیف:

اولین نکته‌ای که باید بدان اشاره کرد، اینست که به سبب جهات مشابه، اجازه تخفیف دوباره داده نشده؛ به موجب تبصره ۳ ماده ۲۲: «چنانچه نظیر جهات مخفقه مذکور در این ماده در مورد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات، دوباره مجازات را تخفیف دهد. مثلاً همان‌طور که قبلاً گفتیم قانوتگذار در ماده ۵۳۱، برای افشاکننده بزه جعل و استفاده از سند مجعول، تخفیف در مجازات را پیش‌بینی کرده است. حال اگر دادگاه به استناد این ماده، مجازات مندرج در ماده ۵۲۷، را که جعل مدارک تحصیلی است و قانوناً شامل حبس از یک تا سه سال می‌باشد را به شش ماه تخفیف دهد، دیگر نمی‌تواند به استناد بند ۲ ماده ۲۲ (که اجازه

هرکس یا هر مرأسی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و مطارت شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود.

#### ماده ۴۱۸ قانون مجازات اسلامی

هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.

#### ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی

هرکس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی تشهید به سمت‌گذاری هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی نماید یا آذوقه نماید که وسایل مزبور به سبب گذاری شده است علاوه بر حیران خسارات وارده به دولت و اشخاص به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌گردد.

#### ماده ۵۱۱ قانون مجازات اسلامی

وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است.

#### ماده ۶۶ قانون مدنی

هیچیک از اشخاصی که در یک معبر یا یک مجری شرکت نمی‌توانند شرکت دیگر را مانع از عبور یا بردن آب شوند.

#### ماده ۱۳۳ قانون مدنی

دقیقه که مالک آن معقول نباشد ملک کسی است که آن را پیدا کرده است.

#### ماده ۱۷۴ قانون مدنی

اجاره، عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود. اجاره دهنده را موجر و اجاره

تخفیف به همان جهت مندرج در ماده ۵۳۱ را داده است)، مجازات شش ماه حبس را به سه ماه تقلیل دهد.

و نکته دوم اینکه، قانونگذار در برخی از مواد قوانین جزایی به دلیل اهمیت جرم ارتكابی، قاضی را از تخفیف مجازات منع کرده است که به دو مورد اشاره می‌شود:

۱- مجازات کلاهبرداری مستنداً به ماده

یک قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری) از یک تا هفت سال حبس تعزیری، رد مال کلاهبرداری شده به صاحبش و جزای نقدی به میزان مال مورد کلاهبرداری است. به موجب تبصره ۱ ماده فوق: «در کلیه موارد مذکور در این

ماده، در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه، دادگاه می‌تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف مجازات، مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمی‌تواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد.

بنابراین، دادگاه نمی‌تواند مجازات کلاهبردار را با اعمال مقررات مربوط به تخفیف، کمتر از یک سال حبس تعیین کند. اما این تبصره اولاً: دارای این اشکال نیز هست که نحوه نگارش آن و تنظیم تبصره، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا تعیین حداقل یک سال حبس، از اختیارات دادگاه است و نیازی به اعمال ضوابط مربوط به تخفیف مجازات ندارد تا با اعمال آنها به یک سال حبس حکمی صادر کنند.

ثانیاً: تبصره فوق محدود کننده اختیارات قاضی جزایی در مقام تخفیف، و مخالف با فردی کردن مجازات‌هاست؛ چه بسا شخصی به کلاهبرداری مبلغ ناچیزی مثلاً یک هزار تومان مبادرت نماید، محکوم کردن چنین فردی خلاف نصفت قضائی است؛ بخصوص اینکه شاکی خصوصی هم گذشت کرده باشد. اصرار



قضات جزایی به تعیین حبس کمتر از یک سال که گهگاه محکومیت انتظامی را نیز به دنبال داشته است، موجب صدور رأی وحدت رویه شماره  $\frac{۶۲۸}{۷۷/۶/۲۰}$  گردید که به موجب آن: «بارعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، حکم به کمتر از یک سال حبس با توجه به تبصره ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، مغایر با موازین قانونی است.»

با توجه به رأی فوق تنها راهکاری که به نظر می‌رسد عملی باشد، تبدیل مجازات حبس در کلاهبرداری، به جزای نقدی است؛ زیرا: قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، مصوب آذر ماه ۱۳۶۷ است و در زمان تصویب این قانون، قانون راجع به مجازات

اسلامی حاکم بود که در ماده ۳۵ آن نیز بحثی از تبدیل مجازات در راه تخفیف مجازات نیامده بود و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، در ماده ۲۲ اجازه تبدیل مجازات را داده است. بدیهی است تبدیل عرفاً، غیر از "تقلیل" است که در تبصره ماده ۱ قانون تشدید آمده است، بنابراین، تعیین جزای نقدی به جای حبس در مورد کلاهبرداری بدون

اشکال به نظر می‌رسد.

۲- به موجب ماده ۷۱۹ قانون

مجازات اسلامی که (در باب قتل و صدمات بدنی غیر عمدی بر اثر رانندگی و وسایط نقلیه است):

«هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رسانیدن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین

انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب، محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند، حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد ۷۱۴، ۷۱۵ و ۷۱۶ محکوم خواهد شد.» دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید.

ادامه دارد...

پی نوشتها:

۱- این جرایم مربوط است به جعل اسناد و اقلام و اسکناس داخلی یا خارجی، مدارک فارغ‌التحصیلی یا اشتغال به تحصیل مهر و منگنه ادارات دولتی و شرکتها و استفاده از آنها.

۲- ک مجازات تعزیری و بازدارنده، قسمتهای هفتم و هشتم این مقالات مندرج در شماره‌های ۱۶ و ۱۷ مجله دادرسی.

۳- به رغم سکوت قانونگذار، دادگاههای تجدیدنظر در صورت لزوم مبادرت به اعمال تخفیف وفق ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی می‌نمایند.